



ویژه نامه‌ای به سفارش  
شورای شهر تهران  
صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
مدیر مسئول: محسن مهدیان  
سر دبیر: دانیال معمار  
معاون ویژه نامه: پرورانه بهرام نژاد  
دبیر ویژه نامه: سیمین برادران  
تحریریه: سیدمحمدفخار  
عکس: علیرضا طهماسبی

واحد فنی:  
مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی  
طراح گرافیک و صفحه آرایی: امید روشنگر، سعید غفوری  
ویرایش عکس: کامیاز نویدی  
صفحه خوانی و حرفه‌چینی: همکاران واحد فنی تحریریه

چاپ: همشهری  
توزیع و اشتراک:  
مؤسسه نشر گستر امروز نوین  
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:  
۱۹۳۹۵۵۴۴۶  
تلفن: ۲۳۰۲۳۴۶۴  
نمبر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

**همشهری**  
گروه ضماضم همشهری ناشر نشریات:  
دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایدار، اقتصاد،  
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،  
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار،  
سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۴، نرسیده به پارکوی،  
کوچه شهید فریسی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

سه شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲ - صفحه ۸

# بایدها و نبایدهای حقوق شهروندی

برگرفته از کتاب  
حقوق شهری و شهروندی  
تألیف محسن اسماعیلی

شهروندان در مقابل همه نهادها و دستگاه‌ها بدون هر گونه تبعیضی حمایت شوند، یعنی از فردا کسی در مورد شمول قانون استثنا نشود و بین دستگاه‌های این قوه و آن قوه تفاوتی نباشد.

در بازار یک قاعده طلایی وجود دارد که می‌گوید همیشه حق با مشتری است حتی وقتی نیست. این شعار هم اکنون در بسیاری از نظام‌های حقوقی در حق شهروندان اعمال می‌شود؛ یعنی «جار و جنجال و حراست و نمی‌شه و نداریم» یا «هنوز بخشنامه‌اش را نزدند در حالی که قانونش ابلاغ شده» بی معنی است. وقتی خدمتگزاریم که شهروند با امیدواری وارد دستگاه شده و با رضایت خارج شود؛ نه با «هول و ولا».

عیب شاید از قانون باشد و شاید هم از ساختار و سازمان؛ جایی که باید قانون داشته باشیم و نداریم یا به اجمال و ابهام گذر شده است. ما یک قانون حقوق شهروندی می‌خواهیم که همه اصول قانون اساسی به ویژه اصول معطل شهروندی را اعم از فصل سوم (حقوق ملت) احیا کند.

در نظام‌های حقوقی برای آنکه به دولت امکان هر مداخله‌ای داده نشود «اصل صلاحیت» مورد شناسایی قرار گرفته است. به موجب این اصل هیچ نهاد و مقام عمومی اعم از دولتی یا غیر دولتی، هیچ حق و اختیاری ندارد مگر به موجب قانون، خود این اصل یک تضمین کننده حقوق شهروندی است؛ به ویژه برای دستگاه‌ها و نهادهایی که به دنبال محدود کردن خودسر رفتارهای شهروندان هستند.

مقام‌ها و نهادهای عمومی در صورت ارائه نکردن خدمت به شهروندان باید در کمترین زمان ممکن در قالب یک متن کتبی و رسمی مهیور و امضا شده به شهروند با استنادات قانونی نشان دهند که ارائه خدمت مورد نظرش در صلاحیت آنها نبوده و نهاد معین و نهادهای دیگری به موجب قانون متصدی آن است.

صلاحیت اجباری آن است که یک مرجع لازم است تصمیم یا اقدامی را انجام دهد. ولی صلاحیت تخییری یعنی آن نهاد یا مقام «می‌تواند» یا «مجاز است» تا تصمیم یا اقدامی را انجام دهد. در خصوص صلاحیت اجباری که نهادهای عمومی اگر از حکم قانون تخطی کنند مرتکب نقض قانون شده‌اند ولی در مورد صلاحیت تخییری در ظاهر این مراجع هستند که می‌توانند عملی را انجام دهند و یا انجام ندهند.

در نظام حقوقی ما وعده‌های بسیاری به شهروندان داده می‌شود که در کوتاه‌ترین زمان ممکن صریح یا ضمنی تکذیب می‌شود یا بدون هیچ گونه توضیحی بعد از یک دوره اجرایی متوقف می‌شود؛ در واقع شهروندان از نوعی بی‌ثباتی و عدم اعتماد عمومی به تصمیمات مقام‌های عمومی رنج می‌برند. مقام‌های عمومی تفهیم شوند که آنها باید با کارشناسی لازم رویه‌های منطقی و مبتنی بر تأمین حقوق شهروندی را در اخذ تصمیماتشان اتخاذ کنند.

قانون اساسی یک سند بالادستی محسوب می‌شود. به همین علت گفته می‌شود در سلسله مراتب قوانین اصل بر رعایت و حاکمیت قانون اساسی است. در میان اصول قانون اساسی برخی اصول ارزش سیاستگذاری هم دارند به طور خاص ۱۴ اصل اول قانون اساسی تحت عنوان اصول کلی چنین نقشی را بازی می‌کنند. اصل دهم قانون اساسی یکی از این اصول است که مقرر می‌دارد: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران متغیری وابسته به موازین دینی است. به این معنا که همه حقوق شهروندی در این چارچوب قابل تحلیل هستند. از مهم‌ترین اصول دینی توجه عمیق به خانواده و حق آن است؛ در نتیجه هر حقی در تراجم با کبان خانواده لازم است محدود و مطرود شود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل مربوط به کلیات در اصل هشتم بیان شده است در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر و وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت شرايط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

تجربه بشر بعد از آموزه‌های غیر علمی لیبرالیسم نشان داده که اگر انسان بی تعهد باشد، جامعه فرو خواهد پاشید چنان که متأسفانه شاهد آن هستیم که بخشی از مردم نسبت به تحولات منفی پیرامونشان هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند. این می‌شود که به یکباره بمبی جامعه را تکان داده و خبر از اختلاس‌های سرریالی کلان بانک‌های و شرکت‌های دولتی می‌دهد.

الف - حق اساسی هر فرد است که گرسنه نباشد. در بند «ب» ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان تکلیف دولت آورده شد. دولت‌های عضو این میثاق حق اساسی هر فرد را که گرسنه نباشد به رسمیت می‌شناسند و اقدامات فردی یا از طریق همکاری بین المللی را که شامل برنامه‌های مشخص و مورد احتیاج زیر است به عمل خواهند آورد. ب - بهبود روش‌های تولیدی، نگهداری و توزیع غذا با استفاده کامل از دانش فنی و علمی، انتشار و اشاعه دانش و اصول تغذیه، توسعه یا اصلاح نظام زراعی به منظور دستیابی به حداکثر تولید مؤثر و استفاده از منابع طبیعی - ج - تأمین عادلانه توزیع فراورده‌های غذایی جهان بر حسب احتیاج و اهمیت دادن به مسائل واردات و صادرات غذای دولت‌ها.

الف - دانش یک کالای عمومی است. کالای عمومی یعنی اینکه کالایی که همه حق استفاده آن را دارند و هیچ‌کس نمی‌تواند و نباید مانع استفاده دیگران شود؛ مانند هوا؛ به این ترتیب دانش زمین و طلا مستعمره نیست که یک عده داشته باشند و از دیگران دریغ بورزند بلکه کالایی است غیر قابل تقسیم که باید به طور رایگان در اختیار همگان باشد. ب - دانش، میراث مشترک بشریت است. وقتی چیزی به ارث می‌رسد ما برای آن زحمتی نکشیده‌ایم بلکه به علت یک رابطه خانوادگی از آن اموال به صورت قهری بهره‌مند شده‌ایم.

## اولویت در قانون

## اولویت بر سایر حقوق

## وظیفه همگانی

## مسئولیت اجتماعی

## جایگاه خانواده

## جایگاه امر به معروف

## جایگاه حق بر حیات

## حق بر غذا

## حق بر بهداشت

## اصول راهبردی

## اصول محتوایی

## جایگاه حق بر حیات

## حق بر غذا

## حق بر بهداشت

## حق بر دانش

## انتظار مشروع

## حمایت از شهروندان

## همیشه حق با مشتری است

## راهکار مناسب

## شناسایی این اصل

## مقام‌ها و نهادهای عمومی

## صلاحیت اجباری و تخییری

## انتظار مشروع